



عوامل اسراف؛ از خودنمایی تا گسترش فرهنگ مصرفی غربی

برای اینکه خوی اسرافگری در یک شخص و یا جامعه درمان شود باید دلایل و ریشه های پیچیده آن بررسی شود.

خبرگزاری مهر- برای اینکه خوی اسرافگری در یک شخص و یا جامعه درمان شود باید دلایل و ریشه های پیچیده آن بررسی شود.

درهرعلمی برای مبارزه با مشکلی ابتدا به شناخت ریشه و یا ریشه ها و سپس مبارزه با آن توصیه می گردد. در علم اخلاق برای مبارزه با یک صفت زشت ابتدا باید به علل و عوامل آن توجه داشت و سپس به درمان آن پرداخت و تنها در این صورت است که تلاش انسان نتیجه می دهد و او را برای همیشه از رنجی که از ناحیه ابتلای بدان دامنگیر اوست رهایی می بخشد.

به عنوان مثال، تواضع انسان خودخواه در برخورد با دیگران امر بسیار دشواری است و فروتنی او جز ظاهرسازی و تصنعی رفتار کردن چیز دیگری نخواهد بود. اسراف نیز مانند بسیاری از اعمال برخاسته از ریشه ها و عواملی است که بدون توجه و پرداختن ها بدان ها، حذف آن از زندگی فردی و اجتماعی برخی عملی نخواهد بود.

1- خودنمایی

یک شخص که در دوران زندگی همواره در راه رسیدن به خواسته ها و آرزوهای خویش ناکام مانده و با تنگدستی و محرومیت دست به گریبان بوده، سرخورده گی ها و عقده های روانی در وی انباشته شده و به تدریج در شخصیت او ایجاد اختلال می کند و شخص سرخورده برای حفظ شخصیت خود دست به مکانیسم های دفاعی می زند.

در این نوع واکنش روانی فرد دچار اختلال، سعی می کند برای سرپوش گذاردن بر ناکامی ها و عقده های متراکم خود دست به عملی بزند که او را در اجتماع مطرح و شخصیت دهد، لذا اسراف و ولخرجی و ریخت و پاشهای غیر معقول می کند و با این کار به یافتن شخصیت سرکوب شده خویش می پردازد و به فردی ریاکار تبدیل می شود تا در اجتماع به عنوان انسانی دست و دلباز و بی اعتنا به ثروت مطرح می گردد.

2- تربیت خانوادگی

شالوده شخصیت هر فردی را تربیت خانوادگی او تشکیل می دهد. از خصوصیات و ویژگی های اساسی انسان تربیت پذیری اوست. روانشناسان سه عامل وراثت، خانواده و محیط خارج را از عوامل مهم تربیت برشمرده اند و از نظر برخی عامل خانواده نسبت به دو عامل دیگر وراثت و محیط نیز از اهمیت بیشتری برخوردار است.

فردی که در خانواده ای تربیت و رشد یافته که بزرگترهای آن، الگوی صحیح برای مصرف نداشته و به هر دلیل که هست به زیاده روی و بی بندوباری در مصرف خو گرفته اند. فرد این روحیه را به عنوان یک صفت به دست آمده از خانواده دریافت و به اجتماع و نیز خانواده ای که خود آن را تشکیل خواهد داد انتقال خواهد داد، مگر اینکه با تغییر اخلاق و تربیت، خویش را از گرفتاری بدان نجات بخشد.

3- فساد اخلاقی

در برخی از افراد زمینه اسراف را باید در شخصیت اخلاقی و روحی آنان جستجو کرد؛ شخصی که از خود رفتارهای ضد اجتماعی نشان می دهد و قانون شکنی می کند و به گناه و سرکشی خو گرفته است نمی تواند فرد معتدل در امور مالی اش باشد و همواره در پی هوی و هوس و ارضای تمایلات افسار گسیخته خویش می باشد.

4- فرهنگ مصرفی غربی

غریبهها درصدد تحمیل سلطه فرهنگی و اقتصادی خود بر ملت های مسلمان هستند و بیداری و هشیاری مردم را بالاترین خطر برای

نیل به اهدافشان می دانند؛ بدین خاطر به روش ها و ابزارهای گوناگون متوسل می جویند.

مشغول نمودن اقشار مردم به انواع سرگرمی ها؛ توزیع مواد مخدر؛ ترویج خرافات و مطالب پوچ و بی اساس از مهمترین روش های آنها به حساب می آید و با این کار می خواهند اشاعه فرهنگ ولخرجی و اسراف در جوامع بشری را توسعه دهند و کالای بی ارزش و بی مصرف را در بین توده های مردم توزیع می کنند و فرصت اندیشدن صحیح و بهره برداری درست از لحظات زندگی را از انسان می گیرند.

مقابله و دفاع در برابر تهاجمات فرهنگی و اقتصادی، تنها وقتی ممکن است که جامعه توجه و آگاهی به وجود دشمن داشته و از دسیسه های او غافل نشود و سپس با آگاهی و بینش به راه های مقابله و مبارزه در تمامی ابعاد مختلف فرهنگی اقتصادی بپردازد.